

تجربه زیسته دانش‌آموزان از حضور در کلاس‌های فوق‌برنامه: ارائه مدل

پارادایمیک

رفیق حسنی*، شادی ملکی**

چکیده

پژوهش حاضر با هدف کشف تجربه زیسته دانش‌آموزان در کلاس‌های فوق‌برنامه در مدارس غیرانتفاعی دوره متوسطه دوم شهر سنندج در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ انجام گرفت. بر این اساس سوالات مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در اختیار ۲۵ نفر از دانش‌آموزان قرار گرفت که با روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شده بودند و سپس تحلیل کیفی با استفاده از نظریه داده‌بنا و کدگذاری‌های باز، محوری و گزینشی انجام شد. بر اساس مدل پارادایمیک ارائه شده مهمترین شرایط علی حضور در کلاس‌های فوق‌برنامه شامل عدم توانایی انتقال مطالب توسط معلمان؛ رفع اشکال؛ ضعف درسی؛ تمرینش بودن و کنکور و شرایط زمینه‌ای شامل یادگیری؛ اجبار و رضایتمندی معلمان؛ ناکارآمدی تدریس معلمان در کلاس رسمی و تجربه و جدیت بیشتر معلمان و شرایط مداخله‌گر شامل معلمان باتجربه و بانگیزه؛ تدریس مبتنی بر علاقه و انرژی؛ تدریس جامع و کامل و هدفمندتر شدن کلاس‌ها بودند. راهبردهای به‌کاررفته شده در این کلاس‌ها شامل آموزش و تدریس مناسب؛ کیفیت آموزش؛ فضا و جو مبتنی بر یادگیری؛ تراکم کلاس مناسب و استفاده بهینه از زمان کلاس و نیز پیامدهای مثبت و منفی شامل موفقیت و پیشرفت؛ بهبود عملکرد؛ آشنایی با سوالات و روش تدریس؛ تکمیل‌کننده و تقویت‌کننده؛ تسهیل‌کننده؛ کاهش استرس و اضطراب، عدم‌تاثیرگذاری و اتلاف زمان بودند. مقوله هسته نیز کلاس فوق‌برنامه به مثابه «تکمیل‌کننده خلأهای آموزش رسمی: تثبیت یادگیری» تعیین شد. نتایج پژوهش بیانگر ضرورت سازمان‌دهی کلاس‌های فوق‌برنامه مدارس جهت اثربخشی بیشتر بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است.

واژه‌های کلیدی: آموزش سایه‌ای، تجربه زیسته، دانش‌آموزان، کلاس‌های فوق‌برنامه

*گروه علوم تربیتی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. (نویسنده مسئول) hasani.rafigh@gmail.com

** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. shadimaleki138@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۳۰

تاریخ دریافت مقاله نهایی: ۱۴۰۱/۳/۲۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۱۹

مقدمه

نقش و جایگاه آموزش و پرورش در عصر اقتصادی دانش محور بر کسی پوشیده نیست و بررسی جوامع توسعه یافته نشان می دهد که این جوامع دارای نظام تعلیم و تربیت هدفمند، کارآمد و توانمند هستند. چگونگی تدوین اهداف و روش های تربیتی در نظام آموزش و پرورش تعیین کننده این توسعه است. پیشرفت های علمی سرعت حرکت را مضاعف کرد، اما سرعت تغییر در نظام آموزشی کمتر از تحول در سایر نهادهای زندگی است، لذا در این وضعیت نظام های آموزشی با خواسته ها و توقعات بسیاری روبه رو شدند و دانش آموزان نیز گرفتار رقابت شدیدی شدند که نتیجه آن ایجاد کلاس های سایه ای^۱ بود (فتیحی و اجارگاه، ۱۳۹۶). بدون شک یکی از اهداف مهم آموزش و پرورش پرداختن به جنبه های شناختی و انگیزشی فراگیران و کمک به آنها جهت پیشرفت تحصیلی در درس گوناگون است. پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به عنوان یک شاخص مهم برای ارزیابی نظام آموزشی مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این پیشرفت تحصیلی برای معلمان، دانش آموزان، والدین، نظریه پردازان و پژوهشگران تربیتی حائز اهمیت است. برای مثال، پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان یکی از مهمترین ملاک های ارزیابی عملکرد معلمان و دانش آموزان محسوب می شود. بسیاری از کشورها با اتخاذ اهداف و روش های آموزشی متعالی و ایجاد زمینه های مناسب جهت کشف و شکوفایی استعداد های دانش آموزان و انجام مطالعات و پژوهش برای شناسایی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی و همچنین شناسایی دلایل افت تحصیلی تمام تلاش خود را به کار می گیرند که این امر خود باعث کاهش هزینه های آموزش و پرورش و نیز دستیابی به اهداف مورد نظر و در نتیجه توسعه کشور از نظر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می شود. از سوی دیگر، افت تحصیلی به عنوان یکی از معضلات نظام های آموزشی در کشورهای جهان باعث به هدر رفتن بسیاری از فرصت های یادگیری و منابع مالی و نیز دغدغه برای اولیا، مربیان و مسئولان تعلیم و تربیت می شود. یکی از راهکارهای کاهش افت تحصیلی دانش آموزان استفاده از کلاس های فوق برنامه است.

کلاس های فوق برنامه به آموزش های خارج از تدریس رسمی اطلاق می شود که در آن معلم موضوعی معین را در قبال اخذ هزینه آموزش می دهد (تنسل و بیرکن، ۲۰۰۴). این کلاس ها برای افزایش کارایی مدارس رسمی برگزار می شوند (بری، ۲۰۱۰). گوردون و بریجالال (۲۰۰۲)؛ نقل از احمدی، شکوهی، بنی اسدی، جعفری و منصور کیایی، ۱۳۸۳) معتقدند فعالیت فوق برنامه آن دسته از تجربه های آموزشی هستند که جزء برنامه های رسمی نبوده و ماهیت رقابتی با این برنامه ها دارند. آنها در تعریف این نوع آموزش و پرورش می نویسند: "ما این نوع آموزش و پرورش را به مثابه یادگیری رسمی و غیررسمی و توسعه و تقویت فرصت های یادگیری دانش آموزان در خارج از مدرسه و فراسوی اوقات رسمی مدرسه می دانیم". موریانا و همکاران (۲۰۰۶) معتقدند فعالیت های فوق برنامه

^۱. shadow classroom

فعالیت‌های تکمیلی هستند که در مدرسه زیر نظر مدیر مدرسه اجرا می‌شوند. بعضی از پژوهشگران مانند آیرسون و راشفورت (۲۰۰۵) و داری و ساوتگیت (۲۰۰۹) پدیده کلاس‌های فوق‌برنامه را به دلیل گسترش آن و عدم داشتن هویتی مشخص مانند آموزش رسمی تحت‌عنوان آموزش سایه‌ای^۱ می‌نامند. آموزش سایه‌ای پدیده‌ای نوین در نظام‌های آموزشی به حساب می‌آید که در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران بسیاری قرار گرفته است (استاینمن، استرایت‌هولت و کارو، ۲۰۱۸؛ ژانگ و بری، ۲۰۱۶؛ شیبانو و یان، ۲۰۱۶؛ لی، ۲۰۱۳؛ متیکا، ۲۰۱۹). جوادی و کاظمی‌راد (۲۰۲۰) نیز بیان می‌کنند که آموزش سایه‌ای به یک پدیده گسترده در سراسر جهان و یک فضای یادگیری اجتناب‌ناپذیر برای بسیاری از دانش‌آموزان تبدیل شده است. طی سه دهه اخیر رواج کلاس‌های فوق‌برنامه جهت جبران عقب‌ماندگی‌های درسی یا قبولی در رشته‌های دانشگاهی به صورت یکی از رایج‌ترین پدیده‌های آموزشی در سراسر جهان درآمده است، به طوری که در بعضی از کشورها همچون کره جنوبی، تایوان و ژاپن هزینه‌های آموزشی که خانواده‌ها برای این کلاس‌ها خرج می‌کنند بسیار بیشتر از کمکی است که به نظام آموزش رسمی می‌کنند (بیون، ۲۰۱۰؛ داوسون، ۲۰۱۰).

پدیده کلاس‌های فوق‌برنامه به شدت در جامعه‌هایی که دارای موفق‌ترین نظام‌های آموزشی هستند - بر اساس عملکرد دانش‌آموزان در آزمون‌های بین‌المللی همچون تیمز و پرلز و در کشورهایمانند کره جنوبی، ژاپن، تایوان، هنگ‌کنگ و سنگاپور - رواج دارد (کوان، ۲۰۱۱؛ لیو، ۲۰۱۲). همچنین می‌توان رواج آموزش سایه‌ای را متأثر از عواملی دانست که الزاماً آموزشی نیستند، برای مثال در کشورهای همچون کامبوج و گرجستان عوامل اقتصادی و به‌ویژه پایین بودن حقوق معلمان دلایل گرایش به کلاس‌های فوق‌برنامه هستند (بریم و سیلوا، ۲۰۱۴؛ کوباکیدزه، ۲۰۱۴). موری و بیکر (۲۰۱۰) درباره ماهیت آموزش سایه‌ای معتقدند که اساساً فعالیت‌های آموزش خصوصی نوعی مکمل برای تدریس رسمی در سراسر دنیا محسوب می‌شوند. بری (۲۰۱۰) معتقد است آموزش سایه‌ای به‌عنوان ساعات کلاس خصوصی به دانش‌آموزان در تسلط بر برنامه درسی رسمی و در خارج از کلاس درس کمک خواهد کرد. کیم (۲۰۰۵) نیز معتقد است رشد قارچ گونه تدریس خصوصی یک پاسخ طبیعی بازار به کم‌کاری در مدارس است. بر این اساس خانواده‌ها نه تنها هزینه‌های ثبت‌نام و شهریه مدارس فرزندان خود را پرداخت می‌کنند؛ بلکه هزینه‌های شرکت در کلاس‌های خصوصی، شرکت در امتحانات ادواری، کتاب‌های کمک‌درسی و مشاوره‌های تحصیلی را نیز تقبل می‌کنند (اسلم و اترتون، ۲۰۱۲). در همین راستا کلاس‌های فوق‌برنامه به چند صورت برگزار می‌شوند: به صورت فردی در خانه معلم یا دانش‌آموز، به صورت گروهی توسط معلمان در ساعت‌های بعد از تدریس رسمی به دانش‌آموزان خود در مقابل دریافت هزینه و یا در مؤسسه‌هایی که به استخدام معلمان حرفه‌ای می‌پردازند و کلاس‌هایی را با دریافت هزینه‌هایی برای دانش‌آموزان تدارک می‌بینند

^۱. shadow education

(تنسل و بیرکن، ۲۰۰۴).

کلاس‌های تقویتی و فوق‌برنامه می‌توانند دارای تأثیرات مثبت و منفی باشند. از جمله تأثیرهای مثبت کلاس‌های تقویتی و فوق‌برنامه می‌توان بهبود یادگیری دانش‌آموزان، فراهم کردن فعالیت‌های سازنده برای آنان در ساعات خارج از مدرسه و تأمین درآمد برای معلمان و اشتغال به کار برای بعضی از افراد را بیان کرد؛ اما تأثیرات منفی احتمالی کلاس‌های تقویتی و فوق‌برنامه که باید مورد توجه برنامه‌ریزان آموزشی قرار گیرند عبارتند از اختلال در برنامه‌های درسی رسمی، فشار روی دانش‌آموزان کم‌سن و سال، تشدید نابرابری‌های اجتماعی و سوءاستفاده معلمان از دانش‌آموزان. مورد اخیر مخصوصاً در موقعیتی که معلمان رسمی پس از ساعات مدرسه زمینه تدریس خصوصی در قبال اخذ پول را برای دانش‌آموزان خود فراهم می‌کنند، رخ می‌دهد. این مسئله در بدترین شرایط به صورت نوعی رشوه درمی‌آید که در آن، معلمان در ساعت رسمی، فقط نیمی از برنامه درسی را ارائه می‌کنند و سپس از دانش‌آموزان می‌خواهند که برای نیم دیگر در کلاس خصوصی شرکت کنند و حق‌الزحمه آن را پرداخت نمایند (بری، ۲۰۱۰). پژوهشگرانی همچون علی (۲۰۱۳)، آیدا گل (۲۰۱۴) و لائو (۲۰۱۴) علل اصلی بروز این پدیده را ضعف نظام آموزش و پرورش در رفع نیازهای واقعی دانش‌آموزان می‌دانند.

بسیاری از پژوهشگران اعتقاد دارند که نظام آموزش سایه باعث می‌شود که دانش‌آموزان ضعیف، عقب‌ماندگی‌های خود را جبران کنند. از این لحاظ، نظام آموزش و پرورش سایه به برابری فرصت‌های آموزشی یاری می‌رساند (جو، ۲۰۱۳). نتایج تحقیق لی (۲۰۲۰) نشان داد که در چهار منطقه چین (پکن، شانگهای، جیانگسو و گوانگدونگ) و در مقیاسی وسیع، تدریس خصوصی در محدوده ۷/۵۸٪ تا ۷۴٪ برای دروسی مانند علوم، ریاضیات و خواندن وجود دارد و میزان مشارکت در تدریس خصوصی در روستاها بسیار بیشتر از شهرها است. سبوجی (۱۳۹۸) نشان داد که فعالیت‌های فوق‌برنامه بر عملکرد تحصیلی و عملکرد اخلاقی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد. در مقابل، برخی از پژوهشگران آثار و پیامدهای کلاس فوق‌برنامه را منفی می‌دانند و بر تأثیر مخرب آن بر دانش‌آموزان، والدین، معلمان و اجتماع تأکید می‌کنند (سولیمان، ۲۰۱۲؛ لی، ۲۰۱۴). این پژوهشگران به موارد منفی همچون افزایش خستگی در دانش‌آموز، ایجاد وابستگی و کاهش خلاقیت در فراگیر، تأکید بر مهارت‌های تست‌زنی به جای درک عمیق مفاهیم، تحمیل هزینه‌های اضافی به والدین، خستگی معلمان، فساد معلم و ایجاد نابرابری‌های اجتماعی اشاره می‌کنند (شیراوند، معدن‌دار آرانی و نیک‌پی، ۱۳۹۶).

بر اساس مطالب بیان شده با توجه به اینکه نظارت سازمان‌یافته‌ای بر کلاس‌های فوق‌برنامه در کشورمان به‌طور کلی و در شهر سنج به‌طور ویژه، که در سال‌های اخیر کلاس‌های فوق‌برنامه در آن مورد توجه بیشتر دانش‌آموزان قرار گرفته، وجود ندارد؛ همچنین بررسی‌های جدی و آکادمیک در مورد دلیل رشد و گسترش آن انجام نشده و پیامدهای مثبت و منفی این پدیده مورد کاوش قرار نگرفته است؛ به نظر می‌رسد که نوع نگرش والدین و دانش‌آموزان به کلاس‌های فوق‌برنامه در کنار

کلاس‌های رسمی با میزان هزینه‌هایی که برای این دسته از کلاس‌ها پرداخت می‌کنند در ارتباط باشند و این عوامل به‌نوبه خود با رشد و گسترش این پدیده مرتبط باشند. ممکن است شناسایی این نگرش‌ها دست‌اندرکاران نظام آموزشی را در کنترل و ارتقای این پدیده یاری کند. از سوی دیگر اهمیت و ضرورت انجام پژوهش حاضر در این است که با بهره‌گیری از تجربه زیسته خود دانش‌آموزان نسبت به کلاس‌های فوق‌برنامه می‌توان با مؤلفه‌ها، عوامل مؤثر بر این کلاس‌ها و موانع آن آشنا شد. همچنین با استخراج کدها، مضامین و درون‌مایه‌های آن، از یک طرف والدین و معلمان به آگاهی و شناخت بهتری نسبت به این کلاس‌ها می‌رسند و سعی می‌کنند تا راه‌هایی برای پیشرفت تحصیلی فرزندانشان در خانه، مدرسه و جامعه پیدا کنند. از طرف دیگر نظام آموزشی کشور با به دست آوردن آگاهی و شناخت از نگرش‌ها و تجربه زیسته دانش‌آموزان می‌تواند برنامه‌ریزی درستی برای کلاس‌های فوق‌برنامه داشته باشد. در نتیجه سوال اصلی این پژوهش این است که دانش‌آموزان چه تجربه‌ای از حضور در کلاس‌های فوق‌برنامه دارند؟ بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری، راهبردهای کنشی و پیامدهای کلاس‌های فوق‌برنامه بر اساس تجربه زیسته دانش‌آموزان کدام است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر به‌لحاظ روش و ماهیت از نوع پژوهش‌های کیفی و بر مبنای طرح نظام‌مند نظریه داده‌مبنا^۱ انجام گرفته است. رویکرد نظریه داده‌مبنا یک نوع روش پژوهش کیفی است که به‌طور استقرایی یک سلسله رویه‌های نظام‌مند را به‌کار گرفته است تا نظریه‌ای درباره پدیده مورد مطالعه ایجاد کند (کوربین و اشتراوس، ۲۰۱۲ / ۱۳۹۱). بر اساس این دیدگاه پژوهشگر برای تحلیل داده‌های کیفی گردآوری شده از سه مرحله کدگذاری باز^۲، محوری و گزینشی استفاده کرده است.

شرکت‌کنندگان پژوهش

میدان پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی دوره متوسط دوم شهر سنجند بود که تجربه حضور در کلاس‌های فوق‌برنامه مدرسه خود در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ را داشتند. انتخاب مشارکت‌کنندگان در پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی انجام شد و با ۲۵ نفر از دانش‌آموزان که تجربه حضور در کلاس‌های فوق‌برنامه مدارس خود را داشتند، مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت گرفت.

ابزارهای پژوهش

بعد از بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش، پژوهشگر به تهیه سوالات مصاحبه نیمه‌ساختاریافته اقدام نمود و در نهایت ۱۱ سوال برای مصاحبه بر اساس طرح نظام‌مند نظریه داده‌مبنا در نظر گرفته شد. پس از انجام هماهنگی‌های لازم جهت انجام مصاحبه، لینک مصاحبه آنلاین به‌صورت گوگل

^۱. grounded theory approach

^۲. open coding

فرم توسط پژوهشگر در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و مصاحبه با دانش‌آموزان تا اشیاع نظری ۲۵ نفر ادامه یافت. برای اطمینان از روایی بخش کیفی پژوهش و دقیق بودن یافته‌ها، از نظرات اساتید مطلع و خبرگان دانشگاهی در این حوزه استفاده شد. همچنین برای پایایی از روش پایایی بین دو کدگذار استفاده شد. در مصاحبه با روش توافق درون موضوعی دو کدگذار، از یکی از اساتید مدیریت آموزشی آشنا به کدگذاری درخواست شد تا به‌عنوان کدگذار ثانویه در پژوهش شرکت کند و در نهایت درصد توافق درون موضوعی که به‌عنوان شاخص پایایی تحلیل به‌کار می‌رود محاسبه شد که با توجه به محاسبات ۷۵/۳ درصد به دست آمد که بیانگر پایایی مناسب بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌های مستخرج از مصاحبه‌های انجام شده از روش نظریه داده‌مبنای کوربین و اشتراوس (۲۰۱۲/ ۱۳۹۱) و نرم‌افزار MAXQDA استفاده شد. به این ترتیب پس از انجام هر مصاحبه و پیاده‌سازی آن، کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و گزینشی انجام گرفت. البته نباید این سه نوع کدگذاری را متمایز از یکدیگر، یا مرحله‌ای به لحاظ زمانی مجزا در فرایند تفسیر، به شمار آورد. بلکه این‌ها روش‌هایی مختلف برای کار با داده‌های متنی هستند که محقق در صورت نیاز آن‌ها را جابجا یا با هم تلفیق می‌کند. با این حال، فرایند تفسیر با کدگذاری باز آغاز و با نزدیک شدن به مراحل پایانی فرایند تحلیل، کدگذاری گزینشی بیشتر مطرح شد و در نهایت مقوله اصلی پژوهش تعیین گردید.

یافته‌ها

اطلاعات توصیفی مربوط به مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. اطلاعات توصیفی مشارکت‌کنندگان

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
پایه تحصیلی	پایه دهم	۸	۳۲
	پایه یازدهم	۷	۲۸
	پایه دوازدهم	۱۰	۴۰
جنسیت	دختر	۱۴	۵۶
	پسر	۱۱	۴۴
کلاس	ریاضی	۷	۲۸
	شیمی	۴	۱۶
	ادبیات	۲	۸
	زیست‌شناسی	۵	۲۰
	زبان انگلیسی	۱	۴
	عربی	۱	۴
آیا معلمان کلاس‌های فوق‌برنامه همان معلمان مدرسه شما بودند؟	بلی	۹	۳۶
	خیر	۱۶	۶۴

در خصوص توزیع مشارکت‌کنندگان برحسب متغیر پایه تحصیلی، ۳۲ درصد (۸ نفر) پایه دهم، ۲۸ درصد (۷ نفر) پایه یازدهم و ۴۰ درصد (۱۰ نفر) پایه دوازدهم بودند. ۵۶ درصد (۱۴ نفر) مشارکت‌کنندگان را دختران و ۴۴ درصد (۱۱ نفر) مشارکت‌کنندگان را پسران تشکیل دادند. همچنین ۲۸ درصد (۷ نفر) مشارکت‌کنندگان در کلاس ریاضی، ۱۶ درصد (۴ نفر) در کلاس شیمی، ۸ درصد (۲ نفر) در کلاس ادبیات، ۲۰ درصد (۵ نفر) در کلاس زیست‌شناسی، ۴ درصد (۱ نفر) در کلاس زبان انگلیسی، ۴ درصد (۱ نفر) در کلاس عربی و ۲۰ درصد (۵ نفر) در کلاس فیزیک شرکت کرده بودند و در نهایت در خصوص جواب مشارکت‌کنندگان به این سوال که: آیا معلمان کلاس‌های فوق‌برنامه همان معلمان مدرسه شما بودند؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که ۳۶ درصد (۹ نفر) مشارکت‌کنندگان به این سوال پاسخ بلی و ۶۴ درصد (۱۶ نفر) پاسخ خیر داده‌اند.

شرایط شکل‌گیری کلاس فوق‌برنامه و گرایش به آن

منظور از شرایط، مجموعه‌ای از رویدادها و حوادثی است که موقعیت‌ها، مسائل و امور مربوط به یک پدیده را خلق می‌کنند و تا حد معینی چگونگی و چرایی پاسخ افراد و گروه‌ها را نسبت به آن شرایط توضیح می‌دهند. شرایط می‌توانند برخاسته از عوامل مهمی مانند زمان، مکان، فرهنگ، قوانین و مقررات، باورها، اقتصاد، قدرت، جنسیت، محیط اجتماعی، سازمان‌ها و حتی انگیزه‌ها و گذشته افراد باشند. شرایط ممکن است عوامل سطح خرد و کلان را شامل شوند. همچنین نحوه اثرگذاری آن‌ها بر یکدیگر نیز ممکن است مستقیم یا غیرمستقیم، یا به صورت خطی باشد. به‌طور کلی شرایط یا زمینه‌ها به سه دسته علی (سببی)، مداخله‌ای و زمینه‌ای تقسیم می‌شوند. منظور از «شرایط علی» یا سبب‌ساز آن دسته از رویدادها و وقایع‌اند که بر پدیده‌ها اثرگذارند. «شرایط مداخله‌ای»، آن دسته از شرایطی هستند که باعث تخفیف یا به‌نحوی تغییر شرایط علی می‌شوند. شرایط مداخله‌ای می‌توانند دلایل ادامه یا عدم‌ادامه یک کنش توسط کنشگر را توضیح دهند. «شرایط زمینه‌ای» مجموعه خاصی از شرایط (شکل‌های شرایط)‌اند که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود آورند که اشخاص با عمل/تعامل خود به آن‌ها پاسخ دهند (کوربین و اشتراوس، ۲۰۱۲/۱۳۹۱: ۱۵۴-۱۵۲).

در جدول ۲ شرایط «علی» اثرگذار بر پدیده کلاس فوق‌برنامه در میدان مورد مطالعه از منظر مشارکت‌کنندگان آورده شده است.

جدول ۲. مفاهیم و مقوله‌های مربوط به شرایط علی موثر بر حضور در کلاس‌های فوق برنامه

مقوله	خرده مقوله	مفاهیم
معلم	عدم توانایی انتقال مطالب توسط معلمان	- عدم دریافت کامل مطالب در مدرسه
		- عدم تدریس مناسب معلمان
		- عدم درک دانش آموز از نحوه تدریس معلم
آموزشی	رفع اشکال	- رفع اشکال
		- رفع خلأهای درسی
		- کمبود زمان ساعات آموزشی در مدرسه (عربی)
ضعف درسی	ضعف درسی	- ضعف در برخی از دروس (عربی، فیزیک، ریاضی)
		- کم بودن نمرات
		- درصد پایین دروس در آزمون‌ها
		- یادگیری ناقص در مدرسه
		- ناتوانی در حل سوالات
		- اشکال در یادگیری
		- تمرینش بودن کلاس‌های فوق برنامه
		- آمادگی و فعالیت بیشتر دانش آموز در کلاس درس
		- انتقال مطالب بیشتر
		- سبقت گرفتن از برنامه رسمی مدرسه
فردی	انگیزه بالا برای یادگیری	- یادگیری دروس سال بعد
		- یادگیری بهتر و بیشتر
		- آینده‌نگری برای کنکور
کنکور	کنکور	- آمادگی برای شرکت در کنکور
		- یادگیری مطالب کنکوری و حل تست
		- برتری برخی از دانش آموزان
رقابت	رقابت	- کسب نمره
		- افزایش درصد دروس و پاسخ‌دهی
		- کاربرد زیاد دروسی همچون زبان در جامعه
کاربرد	کاربرد	- کاربرد زیاد دروسی همچون زبان در جامعه

شرایط علی موثر بر کلاس فوق‌برنامه دربرگیرنده فضای معنایی است که در این پژوهش سه مقوله «معلم»، «آموزشی» و «فردی» و اجزای آن را نمایان می‌سازند.

مقوله «معلم» برگرفته از خرده‌مقوله «عدم توانایی انتقال مطالب توسط معلمان» است. در زمینه این خرده‌مقوله دانش‌آموز شماره ۲۳ بیان می‌کند که: «بعضی اوقات وقت کافی برای تدریس پیشرفته وجود ندارد و علت اینکه به آموزشگاه‌های خصوصی مراجعه می‌کنیم اینه که بعضی معلمان تدریسشون خوب نیست».

از سوی دیگر مقوله «آموزشی» برگرفته از خرده‌مقوله «رفع اشکال» بود. برای مثال دانش‌آموز شماره ۱۲ بیان کرده بود که: «در درس فیزیک واقعا مشکل داشتم و نمره کم بود و می‌خواستم که تو کلاس‌ها شرکت کنم تا مشکلات درسیم رفع بشه».

مقوله «فردی» برگرفته شده از خرده‌مقوله‌های «ضعف درسی»، «تمرینش بودن»، «انگیزه بالا برای یادگیری»، «کنکور»، «رقابت» و «کاربرد» بود.

یکی از خرده‌مقوله‌ها «ضعف درسی» بود. برای مثال دانش‌آموز شماره ۴ بیان می‌کند: «ضعف در برخی از دروس و زدن درصد پایین در آزمون‌ها باعث شد به این کلاس‌ها بروم».

در زمینه «تمرینش بودن» دانش‌آموز شماره ۱۳ بیان می‌کند که: «نظر معلم‌ها جلو افتادن از برنامه درسی آموزش و پرورش بود و بر تمرینش کلاس‌ها تاکید داشتند».

در زمینه «انگیزه بالا برای یادگیری» دانش‌آموز شماره ۱۰ بیان کرده بود که: «برای یادگیری بهتر و بیشتر به این کلاس‌ها می‌رفتم».

یکی دیگر از خرده‌مقوله‌ها «کنکور» بود. برای مثال دانش‌آموز شماره ۱۸ بیان کرده بود که: «در دبیرستان برای آمادگی در کنکور، لازم دانستم که مطالب کنکوری و تستی بیشتری را یاد بگیرم».

همچنین در زمینه «رقابت» دانش‌آموز شماره ۸ بیان کرده بود: «به دلیل برتری برخی از دانش‌آموزان تصمیم گرفتم در کلاس‌ها شرکت کنم».

آخرین خرده‌مقوله «کاربرد» است. برای مثال دانش‌آموز شماره ۲۴ بیان می‌کند که: «گرایش جامعه نسبت به کلاس‌های زبان خارجه و کاربرد بی‌شمار آن‌ها در زندگی روزمره باعث شد به این کلاس‌ها بروم».

در جدول ۳ شرایط زمینه‌ای که پدیده کلاس فوق‌برنامه را تحت تاثیر قرار می‌دهند آمده است.

جدول ۳. مفاهیم و مقوله‌های مربوط به شرایط زمینه‌ای موثر بر حضور در کلاس‌های فوق‌برنامه

مفاهیم	خرده‌مقوله	مقوله
- تکرار و تمرین بیشتر مطالب - تکمیل‌کننده آموزش‌های مدرسه - کم بودن نمرات	پیشرفت در دروس	فردی
- افزایش یادگیری - افزایش تسلط و ماندگاری دروس	یادگیری	
- تشویق از سوی معلمان به حضور در کلاس‌های فوق‌برنامه - علاقه معلمان به افزایش تعداد دانش‌آموزان در کلاس‌های فوق‌برنامه - افزایش درآمدزایی برای معلمان		
- رضایتمندی و خوش‌حالی معلمان از حضور دانش‌آموزان در کلاس‌ها	اجبار و رضایتمندی معلمان	
- ایجاد دوگانگی در یادگیری مطالب - ایجاد سردرگمی در دانش‌آموزان	ایجاد دوگانگی و سردرگمی	
- تدریس حجم زیادی از مطالب سنگین در کلاس‌ها - تدریس نامناسب معلم در مدرسه	ناکارآمدی تدریس معلمان در کلاس رسمی	آموزشی
- حضور معلمان باتجربه - جدیت در پیگیری کلاس‌ها	تجربه و جدیت بیشتر معلمان	

به‌طور کلی، در شرایط زمینه‌ای موثر بر کلاس فوق‌برنامه دو مقوله «فردی» و «آموزشی» شناسایی شدند که خود به خرده‌مقوله‌های فرعی تقسیم شده بودند. مقوله «فردی» برگرفته از دو خرده‌مقوله «پیشرفت در دروس» و «یادگیری» است. در زمینه خرده‌مقوله «پیشرفت در دروس» دانش‌آموز شماره ۱۱ بیان می‌کند که: «در درس‌ها پیشرفت کنم و مطالب را یاد بگیرم» و «برای تقویت دروسی که در آن‌ها ضعف دارم».

در زمینه خرده‌مقوله «یادگیری» برای مثال دانش‌آموز شماره ۹ بیان می‌کند: «برای اینکه درس‌هامو بهتر یاد بگیرم» و «برای یادگیری و عقب‌نماندن از درس‌ها».

یکی دیگر از مقوله‌ها «آموزشی» است که برگرفته از خرده‌مقوله‌های «اجبار و رضایتمندی معلمان»، «ایجاد دوگانگی و سردرگمی»، «ناکارآمدی تدریس معلمان در کلاس رسمی» و «تجربه و جدیت بیشتر معلمان» است.

در زمینه «اجبار و رضایتمندی معلمان» دانش‌آموز شماره ۵ بیان می‌کند که: «معلمان موافق رفتن ما به کلاس بودند»؛ و اینکه «معلم‌ها دوست داشتن شرکت کنیم و تعداد شاگردهاشون بالاتر بره» و یا «واکنشی خوب و مثبت بوده است»؛ و «ما را تشویق می‌کردند که در این کلاس‌ها حضور یابیم».

و در نهایت «معلم‌ها خیلی دوست دارند که تعداد دانش‌آموزانشان بیشتر شود و پول بیشتری از آن‌ها بگیرند».

در زمینه «ایجاد دوگانگی و سردرگمی» دانش‌آموز شماره ۱۷ بیان می‌کند: «تقریباً بعضی از معلمان مخالف بودند چون فکر می‌کردند در روش تدریس آن‌ها اختلال ایجاد می‌کند و دانش‌آموز سردرگم می‌شود. چون روش تدریس معلمان متفاوت است».

همچنین در زمینه «ناکارآمدی تدریس معلمان در کلاس رسمی» دانش‌آموز شماره ۱۶ بیان می‌کند که: «واقعیت این است وقتی که معلم مدرسه توانایی کافی در تدریس نداشته باشد، ما اجباراً برای فهم و یادگیری بیشتر مطالب باید به کلاس فوق‌برنامه برویم».

یکی دیگر از خرده‌مقوله‌ها «تجربه و جدیت بیشتر معلمان» است. برای مثال دانش‌آموز شماره ۲۴ بیان می‌کند که: «اگر که مدرس باتجربه باشد و کلاس‌ها به صورت جدی پیگیری شود بازدهی بالایی دارد».

در جدول ۴ شرایط مداخله‌ای که پدیده کلاس فوق‌برنامه را تحت تاثیر قرار می‌دهند آمده است.

جدول ۴. مفاهیم و مقوله‌های مربوط به شرایط مداخله‌ای موثر بر حضور در کلاس‌های فوق‌برنامه

مفاهیم	خرده‌مقوله	مقوله
- بالا بودن انگیزه و علاقه	معلمان باتجربه و انگیزه	آموزشی
- علاقه و انرژی معلمان در تدریس	تدریس مبتنی بر علاقه و انرژی	
- تدریس در سطوح بالاتر از کتب درسی در کلاس فوق‌برنامه	تدریس جامع و کامل	
- جامع و کامل تر بودن تدریس معلمان در کلاس فوق‌برنامه	تمرکز بیشتر بر نکات مهم در کلاس فوق‌برنامه	
- گذر سطحی و آسان از مطالب در کلاس مدرسه	جدی تر بودن و هدفمندتر بودن کلاس‌ها	
- مفید بودن کلاس فوق‌برنامه	هدفمندتر شدن کلاس‌ها	
- روابط درسی	روابط مبتنی بر آموزش	
- حل مشکلات درسی با همکاری دوستان	اشتراک‌گذاری دانش خود با دیگران	
- تشویق از سوی دوستان	تشویق از سوی والدین	
- تشویق از سوی والدین	رضایتمندی معلمان	
- رضایتمندی معلمان	صمیمیت	فردی
- صمیمیت	افزایش کیفیت روابط اجتماعی	
- آشنایی با افراد جدید		

به طور کلی، در شرایط مداخله‌ای موثر بر کلاس فوق برنامه دو مقوله «آموزشی» و «فردی» شناسایی شدند که خود به خرده مقوله‌های فرعی تقسیم شده بودند. مقوله «آموزشی» برگرفته از خرده مقوله‌های «معلمان باتجربه و بانگیزه»، «تدریس مبتنی بر علاقه و انرژی»، «تدریس جامع و کامل»، «هدفمندتر شدن کلاس‌ها» و «روابط مبتنی بر آموزش» است. از خرده مقوله‌های فرعی به عنوان شرایط مداخله‌ای موثر بر پدیده کلاس فوق برنامه «معلمان باتجربه و بانگیزه» و «تدریس مبتنی بر علاقه و انرژی» بودند. برای مثال دانش آموز شماره ۱۴ بیان می کند که: «معلمان کلاس فوق برنامه با علاقه بیشتری درس می دهند و از روش های جدیدی استفاده می کنند و معلمان تجربه بیشتری دارند اما در مدرسه معلمان انگار به زور به کلاس آمده اند و حوصله درس دادن ندارند».

در زمینه خرده مقوله «تدریس جامع و کامل» برای مثال دانش آموز شماره ۲۳ بیان می کند که: «هر معلم روش تدریس مخصوص خود را دارد اما در کلاس های فوق برنامه تمرکز بیشتر بر نکاتی است که احتمال دارد معلم هنگام تدریس به آن ها اشاره نکرده باشد».

در زمینه خرده مقوله «هدفمندتر شدن کلاس ها» برای مثال دانش آموز شماره ۱۷ بیان می کند که: «به دلیل آشنا شدن با نظرات و نحوه تدریس معلمان دیگر به نظرم مفید واقع می شود».

در زمینه خرده مقوله «روابط مبتنی بر آموزش» برای مثال دانش آموز شماره ۱ بیان می کند که: «دانش آموز با شیوه متفاوت تدریس آشنا شده و با هر کدام راحت تر باشد ارتباط می گیرد و قرارگیری در جمع های غیر از مدرسه و کلاس باعث می شد تا یاد بگیرد دانش خود را در جمع های بزرگتر و متفاوت ببیند».

مقوله «فردی» برگرفته از خرده مقوله های «انگیزه» و «افزایش کیفیت روابط اجتماعی» است. برای مثال دانش آموز شماره ۱۶ در زمینه خرده مقوله «انگیزه» بیان می کند که: «همه پیشرفت را دوست دارند و خانواده و دوستانم از این قاعده مستثنا نیستند به همین جهت نظر مثبتی داشتند و به من در این راه کمک می کردند».

یکی دیگر از خرده مقوله ها «افزایش کیفیت روابط اجتماعی» است که در این زمینه دانش آموز شماره ۸ بیان می کند: «دوستان بیشتری پیدا می کنم و با آن ها صمیمی می شوم و با معلمان دیگر هم آشنا می شوم و می توانم بدانم که کدام شان بهتر درس می دهند و من از کدام شان خوب تر یاد می گیرم».

راهبردهای اتخاذ شده توسط کنشگران درگیر در کلاس فوق‌برنامه

منظور از راهبردها (تعامل‌ها/ فرآیندها) آن دسته از کنش‌هایی هستند که کنشگران در قبال شرایط پیش رو از خود بروز می‌دهند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۳۰). در هر موقعیتی کنشگران مجموعه‌ای از اعمال، تعاملات و کنش‌های متقابل از خود بروز می‌دهند که به‌مثابه تاکتیک‌های راهبردی و طرز عمل‌های عادی یا روتین و چگونگی مدیریت موقعیت‌ها در مواجهه با مسائل و امور است. عمل/ تعامل‌های راهبردی، کنش‌های دارای منظور و به‌شکل تعمدی هستند که برای حل یک مسئله صورت می‌گیرند و با صورت گرفتن آن‌ها پدیده شکل می‌گیرد (کوربین و اشتراوس، ۱۳۹۱/۲۰۱۲: ۱۵۵). در پژوهش حاضر، تفاسیر آرای کنشگران درگیر در کلاس فوق‌برنامه بیانگر این است که حین انجام کنش، با مسائل و مشکلات خاصی روبه‌رو هستند که با استفاده از راهبردها و تعاملات خاصی به مدیریت موقعیت‌ها و به تداوم کنش‌ها و فعالیت‌های خود پرداخته‌اند. همان‌طوری که در جدول ۵ می‌توان مشاهده کرد راهبردها و تعاملات به‌کارگرفته شده توسط کنشگران، مجموعه متنوعی از تاکتیک‌های متفاوت را در بر می‌گیرد که توضیحات مربوط به هر کدام از آن‌ها در ادامه آورده شده است.

جدول ۵. مفاهیم و مقوله‌های مربوط به راهبردهای (کنش و واکنش) موثر بر حضور در کلاس فوق‌برنامه

مفاهیم	خرده‌مقوله	مقوله
- محتوای آموزشی متفاوت		
- افزایش تکرار و تمرین	آموزش و تدریس مناسب	
- عدم ترس از نمره و امتحان		
- حل مشکلات درسی	رفع مشکلات	
- بهره‌گیری از روش‌های نوین تدریس در کلاس‌های فوق‌برنامه		
- آموزش نکات مهم و کلیدی دروس		
- کیفیت تدریس	کیفیت آموزش	آموزشی
- ارزشمندی		
- تکمیل‌کننده آموزش مدرسه		
- تفاوت در روش تدریس		
- کامل بودن کلاس‌های مدرسه	برتری کلاس‌های مدرسه	
- جو مناسب کلاس‌های فوق‌برنامه		
- امکانات و فضای متفاوت	فضا و جو مبتنی بر یادگیری	
- همکاری و کمک دانش‌آموزان به یکدیگر		فضا و جو
- کمتر بودن تعداد دانش‌آموزان	تراکم کلاس مناسب	
- ایجاد صمیمیت	جو دوستانه	
- زمان کافی و زیاد	استفاده بهینه از زمان کلاس	زمان

به طور کلی، راهبردهای موثر بر کلاس‌های فوق‌برنامه در سه مقوله «آموزشی»، «فضا و جو» و «زمان» شناسایی شدند که خود به خرده‌مقوله‌های فرعی تقسیم شده بودند. مقوله «آموزشی» برگرفته از خرده‌مقوله‌های «آموزش و تدریس مناسب»، «رفع مشکلات»، «کیفیت آموزش» و «برتری کلاس‌های مدرسه» است.

در زمینه خرده‌مقوله «آموزش و تدریس مناسب» دانش‌آموز شماره ۱۰ بیان می‌کند که: «معلم کلاس فوق‌برنامه جزوه مخصوص به خودش داره و از روی آن تدریس می‌کنه و نکات را نوشته اما معلم مدرسه از روی کتاب درس می‌ده».

دانش‌آموز شماره ۲۲ در زمینه خرده‌مقوله «رفع مشکلات» بیان می‌کند: «هدفم این بود که مشکلاتم را در درس ادبیات حل کنم و پیشرفت کنم».

یکی دیگر از خرده‌مقوله‌ها «کیفیت آموزش» است که دانش‌آموز شماره ۸ در این زمینه بیان می‌کند که: «به طور کلی در کلاس فوق‌برنامه معلم بهتر درس می‌ده و دانش‌آموز چیزای بیشتری یاد می‌گیره و وقت رو هدر نمیده و بیشتر سعی می‌کنه نکات مهم کتاب رو آموزش بده اما در کلاس مدرسه اینطور نیست».

یکی دیگر از خرده‌مقوله‌ها «برتری کلاس‌های مدرسه» است. در این زمینه دانش‌آموز شماره ۱۳ بیان می‌کند که: «کلاس‌های مدرسه خودمون بهتر و کامل‌تره بنظر من».

مقوله بعدی «فضا و جو» است که برگرفته از خرده‌مقوله‌های «فضا و جو مبتنی بر یادگیری»، «تراکم کلاس مناسب» و «جو دوستانه» است.

در زمینه خرده‌مقوله «فضا و جو مبتنی بر یادگیری» دانش‌آموز شماره ۲۱ بیان می‌کند که: «در کلاس‌های فوق‌برنامه امکانات بیشتری مثل تخته هوشمند دارند، تعداد دانش‌آموزان کم است و بهتر با ما کار می‌کنند» و اینکه «کلاس فوق‌برنامه تعداد بچه‌ها کمه و بهتر درس رو یاد می‌گیریم و مزاحم تدریس معلم نمی‌شن».

در زمینه خرده‌مقوله «تراکم کلاس مناسب» برای مثال دانش‌آموز شماره ۹ بیان می‌کند که: «در کلاس‌های فوق‌برنامه چون دانش‌آموزان کم‌ترند یادگیری بهتر است».

در زمینه خرده‌مقوله «جو دوستانه» دانش‌آموز شماره ۱۵ بیان می‌کند که: «با توجه به ارتباط نزدیک و تخصیص وقت بیشتر معلم به دانش‌آموز کلاس مفیدتر است».

آخرین مقوله «زمان» است که برگرفته از خرده‌مقوله «استفاده بهینه از زمان کلاس» است. در این زمینه برای مثال دانش‌آموز شماره ۱۹ بیان می‌کند که: «به طور کلی در کلاس فوق‌برنامه معلم بهتر درس می‌ده و دانش‌آموز چیزای بیشتری یاد می‌گیره و وقت رو هدر نمیده و بیشتر سعی می‌کنه نکات مهم کتاب رو آموزش بده اما در کلاس مدرسه اینطور نیست».

پیامدهای کلاس فوق‌برنامه

تفسیر داده‌های کیفی حاصل از پژوهش حاضر از این حکایت دارد که کلاس فوق‌برنامه و گسترش آن در میدان مورد مطالعه، پیامدهای گوناگونی در پی داشته است. همان‌طور که در جدول ۶ می‌توان مشاهده کرد، پیامدهای این پدیده طیفی از ابعاد مثبت و منفی هستند که در ادامه هریک از این موارد با ذکر نقل‌قول‌هایی از مصاحبه با دانش‌آموزان آمده است.

جدول ۶. مفاهیم و مقوله‌های مربوط به پیامدهای حضور در کلاس فوق‌برنامه

مفاهیم	خرده‌مقوله	مقوله
- پیشرفت در دروس	موفقیت و پیشرفت	پیامدهای مثبت
- افزایش درصدهای دروس در آزمون‌ها	بهبود عملکرد	
- افزایش نمرات و معدل		
- افزایش سرعت عمل در حل مسائل		
- تقویت ضعف‌های آموزشی		
- تعمیق یادگیری		
- هم‌سطح کردن دانش‌آموزان ضعیف با بقیه		پیامدهای منفی
- آموزش مطالب سطح بالا برای دانش‌آموزان قوی در کلاس فوق	سطح‌بندی آموزش مطالب	
- آشنایی با روش‌های تدریس مختلف معلمان	آشنایی با سوالات و روش تدریس	
- آشنایی بیشتر با نمونه سوالات دروس		
- تکمیل‌کننده و ادامه‌دهنده آموزش‌های مدرسه	تکمیل‌کننده و تقویت‌کننده	
- درک میزان سختی دروس (عربی)	تسهیل‌کننده	
- راحت کنار آمدن با حجم دروس مدرسه		پیامدهای منفی
- کاهش استرس و اضطراب	کاهش استرس و اضطراب	
- عدم آموزش مطالب سطح بالا در کلاس فوق‌برنامه	عدم آموزش مطالب سطح بالا و عدم تاثیرگذاری	
- عدم تاثیرگذاری		
- مناسب نبودن زمان شروع کلاس‌های فوق‌برنامه	اتلاف زمان	
- صرف زمان زیاد رفت‌وآمد به کلاس‌ها	هزینه بالا	
- پر هزینه بودن کلاس‌های فوق‌برنامه		

همان‌طور که در جدول ۶ نشان داده شده است پیامدهای کلاس فوق‌برنامه به دو مقوله «پیامدهای

مثبت» و «پیامدهای منفی» تقسیم می‌شوند.

مقوله «پیامدهای مثبت» برگرفته از خرده‌مقوله‌های «موفقیت و پیشرفت»، «بهبود عملکرد»،

«سطح‌بندی آموزش مطالب»، «آشنایی با سوالات و روش تدریس»، «تکمیل‌کننده و تقویت‌کننده»،

«تسهیل‌کننده» و «کاهش استرس و اضطراب» است.

در زمینه خرده‌مقوله «موفقیت و پیشرفت» دانش‌آموز شماره ۳ بیان می‌کند که: «اکثر نتیجه خوبی داشته و باعث پیشرفت شده است».

یکی دیگر از خرده‌مقوله‌ها «بهبود عملکرد» است. برای مثال در این زمینه دانش‌آموز شماره ۱۷ بیان می‌کند که: «این کلاس‌ها باعث تمرین و تکرار بیشتر و افزایش سرعت عمل در حل کردن مسائل و همچنین یادگیری عمقی‌تر شده».

در زمینه خرده‌مقوله «سطح‌بندی آموزش مطالب» دانش‌آموز شماره ۲۳ بیان می‌کند که: «اگر مشکلی احساس شد که در مدرسه قادر به حل آن نباشیم می‌توان از آموزش فوق‌برنامه استفاده کرد تا به سطح کلاس برسیم. اگر هم احساس کردیم که سطح ما بسیار بالاتر از سطح کلاس است، می‌توان از آموزش فوق‌برنامه استفاده کرد».

«آشنایی با سوالات و روش تدریس» یکی دیگر از خرده‌مقوله‌ها است که در این باره دانش‌آموز شماره ۱۱ بیان می‌کند که: «داشتن نمونه سوالات بیشتر و آشنایی بیشتر با نحوه بیان مطالب از نتایج کلاس‌های فوق‌برنامه بود».

در زمینه خرده‌مقوله «تکمیل‌کننده و تقویت‌کننده» برای مثال دانش‌آموز شماره ۱۴ بیان می‌کند که: «اگر آموزش فوق‌برنامه مداوم و در امتداد آموزش رسمی مدرسه باشد، می‌تواند بسیار مفید باشد».

یکی دیگر از خرده‌مقوله‌ها «تسهیل‌کننده» است که دانش‌آموز شماره ۸ در این باره بیان می‌کند که: «راحت کنار آمدن با حجم آن درس».

یکی دیگر از خرده‌مقوله‌ها «کاهش استرس و اضطراب» است. در این باره دانش‌آموز شماره ۴ بیان می‌کند که: «نگرانی کمتر دانش‌آموز از امتحان آن درس».

مقوله پیامدهای منفی برگرفته از خرده‌مقوله‌های «عدم آموزش مطالب بالا و عدم تاثیرگذاری»، «اتلاف زمان» و «هزینه بالا» است.

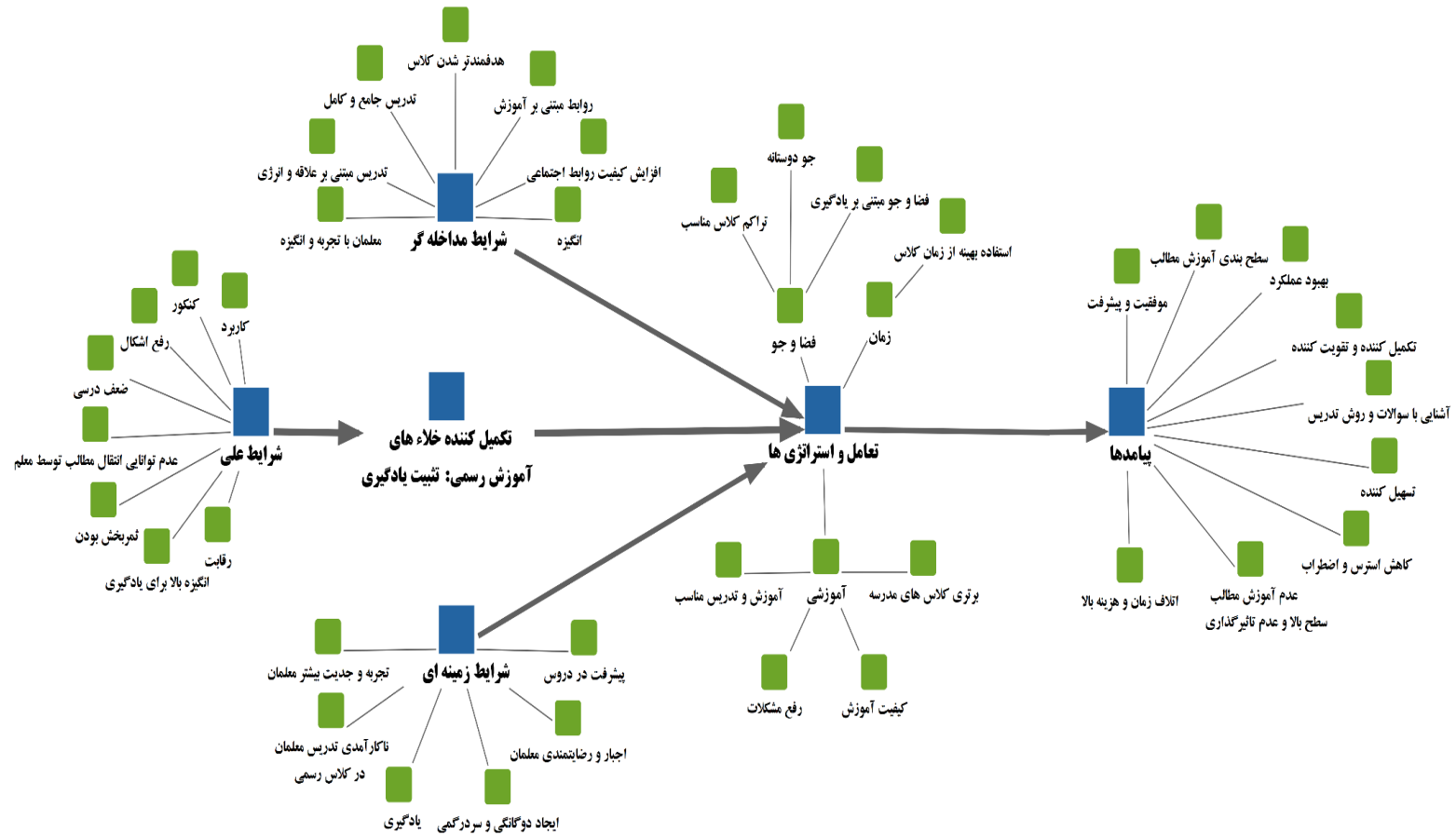
یکی از خرده‌مقوله‌ها «عدم آموزش مطالب بالا و عدم تاثیرگذاری» است. در این زمینه برای مثال دانش‌آموز شماره ۲۱ بیان می‌کند که: «بسیار تاثیرگذار نبوده است» و یا این که «کلاس‌های فوق‌برنامه در سال‌های قبل تاثیر آن‌چنانی در یادگیری نداشته است» همچنین «مطالب بهتر آموزش داده می‌شدند اما نه مطالبی که سطح بالاتری دارند».

در زمینه خرده‌مقوله «اتلاف زمان» دانش‌آموز شماره ۶ بیان می‌کند که: «به نظر من کلاس فوق‌برنامه اگر معلم خوبی داشته باشد واقعاً ارزش دارد و آدم درس‌ها رو یاد می‌گیره اما اگه معلمش خوب نباشه فقط وقت تلف کردن و صرف هزینه‌الکیه».

یکی دیگر از خرده‌مقوله‌ها «هزینه بالا» است که در این زمینه دانش‌آموز شماره ۲۵ بیان می‌کند که: «این کلاس از لحاظ مادی و زمانی برای اولیا و دانش‌آموز هزینه‌بردار بوده است».

مقوله هسته

تعیین مقوله هسته پژوهش در مطالعات نظریه داده‌مبنا در مرحله کدگذاری گزینشی انجام می‌شود. در این مرحله هدف یکپارچه کردن داده‌ها است که بر پایه آن مضمون عمده پژوهش مشخص می‌شود. این موضوع باید قدرت تحلیل داشته باشد و دربرگیرنده سایر مقولات نیز باشد. سایر مقولات هم حول این مقوله در یک مدل ظاهر می‌شوند که به آن مدل پارادایمیک گفته می‌شود. این مدل شامل شرایط (علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر)، راهبردها و پیامدها است و کلیت معنایی آن پیرامون مقوله هسته تعیین گردیده است. مقوله هسته تعیین شده در پژوهش حاضر عبارت است از کلاس فوق‌برنامه به مثابه «تکمیل‌کننده خلائهای آموزش رسمی: تثبیت یادگیری». بر اساس مدل پارادایمیک پژوهش (شکل ۱)، کنشگران درگیر در کلاس فوق‌برنامه، این پدیده را به مثابه «تکمیل‌کننده خلائهای آموزش رسمی: تثبیت یادگیری» درک و تجربه می‌کنند.



شکل ۱. مدل پدیده کلاس فوق برنامه به مثابه "تکمیل کننده خلاءهای آموزش رسمی: تثبیت یادگیری دانش آموزان" مستخرج از نرم افزار MAXQDA

بحث و نتیجه‌گیری

در بررسی تجربه دانش‌آموزان از حضور در کلاس‌های فوق‌برنامه نتایج پژوهش نشان داد دانش‌آموزان نسبت به شرکت در کلاس‌های فوق‌برنامه هم نگرش منفی و هم نگرش مثبت دارند. این کلاس‌ها چون معمولاً بعد از کلاس‌های رسمی برگزار می‌شوند، بنابراین برای دانش‌آموزان خسته‌کننده و کسل‌کننده هستند و در صورتی هم که پرجمعیت باشند کیفیت و بازدهی بسیار پایینی خواهند داشت؛ اما تعدادی از دانش‌آموزان نسبت به شرکت در این کلاس‌ها نگرشی مثبت دارند و شرکت در کلاس‌های فوق‌برنامه را کلیدی برای دست یافتن به یادگیری نکات جدیدتر، آشنایی با روش تدریس‌های نوین و موفقیت در آزمون‌ها و کنکور می‌دانند. این نتیجه هم‌سو با یافته‌های موری و بیکر (۲۰۱۰)، بری (۱۹۹۹) و افشار، ملکی و چنانی (۱۳۹۵) است که آشکار کردند که نظام آموزش سایه‌ای اگرچه باعث بهبود در وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان و گسترش دامنه علمی آن‌ها می‌شود، اما از طرف دیگر بر جریان تدریس رسمی، کیفیت حضور دانش‌آموزان، انرژی آن‌ها و مواردی مانند آن تاثیر منفی دارد.

از دانش‌آموزان در مورد علل و گرایش آن‌ها به کلاس فوق‌برنامه سوال شد که نتایج پژوهش نشان داد که دلایل آن‌ها برای بهره‌گیری از کلاس فوق‌برنامه عدم توانایی انتقال مطالب توسط معلمان در کلاس‌های رسمی، رفع اشکال، ضعف در برخی از دروس، ثمربخش بودن، انگیزه بالا برای یادگیری، آمادگی و آینده‌نگری برای کنکور، اجبار معلمان، رقابت با دیگر دانش‌آموزان و کاربرد زیاد دروسی همچون زبان انگلیسی در جامعه بود. نتایج به‌دست‌آمده نشانگر این است که دانش‌آموزان به‌دلایل مختلفی از کلاس‌های فوق‌برنامه بهره می‌گیرند که هرکدام از این دلایل قابل‌تامل و بحث‌برانگیز است. یکی از این دلایل عدم توانایی انتقال مطالب درسی توسط معلمان در کلاس‌های رسمی بود، در واقع اکثر دانش‌آموزان به‌دلیل ناتوانی معلمان در آموزش مطالب درسی و عدم کیفیت آموزش رسمی ناچار هستند که به کلاس‌های فوق‌برنامه بروند که این دلیل می‌تواند ناشی از ضعف کارایی نظام آموزش رسمی در کشور باشد. کیم (۲۰۰۵) نیز در پژوهش خود بیان می‌کند که رشد قارچ‌گونه تدریس خصوصی در واقع یک پاسخ طبیعی به کم‌کاری مدارس است. یکی دیگر از دلایل شرکت در کلاس‌های فوق‌برنامه از نظر دانش‌آموزان تلاش برای پیشرفت تحصیلی و رفع اشکالات و ضعف‌های درسی است. در واقع زمانی که دانش‌آموزان نتوانند اشکالات و ضعف‌های درسی خودشان را در مدرسه رفع کنند به آموزش‌های فوق‌برنامه روی می‌آورند تا بتوانند پیشرفت کنند و به موفقیت دست پیدا کنند. بسیاری از پژوهشگران کشورهای دیگر نیز دلیل اصلی این پدیده را ضعف نظام آموزش و پرورش در رفع نیازهای واقعی دانش‌آموزان می‌دانند (آیدا گل، ۲۰۱۴؛ علی، ۲۰۱۳؛ لائو، ۲۰۱۴).

یکی از اصلی‌ترین اهداف دانش‌آموزان موفقیت در کنکور و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها است؛ بنابراین آن‌ها انگیزه بالا برای یادگیری بهتر و بیشتر درس، مطالب کنکوری و حل تست را کلید موفقیت در کنکور تلقی می‌کنند و به همین دلیل است که به کلاس‌های فوق‌برنامه روی می‌آورند تا بتوانند به اهدافشان دست یابند. افشار و همکاران (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که شرکت در کلاس‌های فوق‌برنامه سبب آمادگی دانش‌آموزان برای آزمون‌های ورودی خواهد شد. شیرواند و همکاران (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود به این نتایج دست یافتند که عواملی همچون یادگیری بهتر درس، افزایش نمره کلاسی و توصیه والدین بیشترین نقش را در شرکت فراگیران در کلاس‌های خصوصی داشته است.

شرایط اقتصادی معلمان نیز می‌تواند عاملی برای تدریس در کلاس‌های فوق‌برنامه تلقی شود. در برخی از کشورها حقوقی که معلمان دریافت می‌کنند آن‌قدر کم است که اگر فقط به درآمد رسمی خود تکیه کنند قادر نخواهند بود مخارج زندگی خود و خانواده‌شان را تامین کنند؛ بنابراین ناچار هستند از طریق تدریس کلاس‌های فوق‌برنامه به‌عنوان ابزاری درآمدزا پول بیشتری به دست آورند و برای این کار تلاش می‌کنند که دانش‌آموزان را مجبور به حضور در این کلاس‌ها کنند. این یافته هم‌سو با تحقیقات بریم و سیلوا (۲۰۱۴)، کوباکیدزه (۲۰۱۴) و بری (۲۰۱۰) است که رواج آموزش خصوصی را متأثر از عواملی می‌دانند که لزوماً آموزشی نیستند، بلکه به عوامل اقتصادی و پایین بودن حقوق و دستمزد معلمان ارتباط دارد.

رقابت دانش‌آموزان با هم نیز یکی دیگر از علل گسترش آموزش کلاس‌های فوق‌برنامه است، این طرز تفکر میان خانواده‌ها و دانش‌آموزان که داشتن معلم خصوصی به‌معنای پیشرفت تحصیلی و سبقت گرفتن از دیگر دانش‌آموزان و موفقیت و پیشرفت بیشتر است باعث روی آوردن بیشتر دانش‌آموزان به این کلاس‌ها شده است. به‌دلیل کاربرد زیاد دروسی همچون زبان انگلیسی در جامعه، دانش‌آموزان تمایل بیشتری به یادگیری این درس و شرکت در کلاس‌های فوق‌برنامه و خصوصی دارند، زیرا امروزه آشنایی با زبان انگلیسی یکی از ملزومات یافتن یک شغل مناسب در جامعه و یا تحصیل در دانشگاه‌های معتبر خارج از کشور است. به همین دلیل است که دانش‌آموزان شرکت در کلاس‌های فوق‌برنامه زبان انگلیسی را بر درس‌های دیگر ترجیح می‌دهند. یافته‌های این تحقیق با نتایج تحقیقات سردار شیبانی (۱۳۸۴)، آراین (۱۳۹۰)، شیربگی (۱۳۹۰) و شیرواند و همکاران (۱۳۹۶) هم‌سو است.

سایر نتایج پژوهش نشان داد که به‌طور کلی حضور در کلاس‌های فوق‌برنامه از نظر دانش‌آموزان دارای هم پیامدهای مثبت و هم پیامدهای منفی است. از جمله پیامدهای مثبت بر اساس تجارب زیسته دانش‌آموزان عبارت از موفقیت و پیشرفت، بهبود عملکرد، سطح‌بندی آموزش مطالب، آشنایی با سوالات و روش تدریس، تکمیل‌کننده و تقویت‌کننده، تسهیل‌کننده و کاهش استرس و اضطراب

هستند. متیکا (۲۰۱۹) و جو (۲۰۱۳) نیز آثار و پیامدهای آموزش در کلاس‌های فوق‌برنامه را مثبت ارزیابی می‌کنند. شرکت در کلاس‌های فوق‌برنامه دارای پیامدهای منفی نیز همچون عدم آموزش مطالب سطح بالا و عدم تاثیرگذاری، اتلاف زمان و هزینه زیاد است. برخی از پژوهشگران نیز آثار و پیامدهای آموزش خصوصی تکمیلی را منفی ارزیابی می‌کنند و بر تاثیر مخرب آن بر دانش‌آموزان، والدین، معلمان و اجتماع تاکید می‌ورزند (سولیمان، ۲۰۱۲؛ لی، ۲۰۱۴). همچنین دانش‌آموزان شرکت‌کننده در کلاس فوق‌برنامه، بهبود عملکرد را یکی از پیامدهای این کلاس‌ها می‌دانند، در واقع منظور از بهبود عملکرد همان افزایش نمرات و معدل، افزایش درصدهای دروس در آزمون‌های مختلف، افزایش سرعت عمل در حل مسائل، تقویت ضعف‌های آموزشی و تعمیق یادگیری است که از نتایج شرکت در کلاس‌های فوق‌برنامه هستند.

نتایج تحقیقات موری و بیکر (۲۰۱۰)، داربی و ساوتگیت (۲۰۰۹) و تاملینسون (۲۰۰۱) حاکی از این است که کلاس فوق‌برنامه موجب ایجاد نابرابری‌های آموزشی می‌شود اما بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان گفت که کلاس‌های فوق‌برنامه سبب می‌شود که دانش‌آموزان ضعیف با بقیه دانش‌آموزان هم‌سطح شوند و تفاوت قابل توجهی میان آن‌ها وجود نداشته باشد. در یک کلاس درس میان دانش‌آموزان از نظر میزان فراگیری دروس معمولاً تفاوت وجود دارد، عده‌ای ضعیف هستند و برخی دیگر قوی، بنابراین دانش‌آموزانی که ضعیف هستند سعی می‌کنند که در کلاس‌های فوق‌برنامه حضور داشته باشند و تا حدودی با سایر دانش‌آموزان کلاس رسمی هم‌سطح شوند. جو (۲۰۱۳) نیز در پژوهش خود بیان می‌کند که نظام آموزش سایه باعث می‌شود که دانش‌آموزان ضعیف عقب‌ماندگی‌های خود را جبران کنند، از این جنبه نظام آموزش و پرورش سایه به برابری فرصت‌های آموزشی یاری می‌رساند.

بر اساس نتایج به دست آمده در این پژوهش و هم‌سو با نتایج تحقیقات افشار و همکاران (۱۳۹۵) حضور در کلاس‌های فوق‌برنامه زمان زیادی را برای رفت‌وآمد می‌گیرد. در واقع دانش‌آموزان باید علاوه بر این که در ساعات رسمی در مدارس حضور پیدا می‌کنند بعد از مدرسه هم زمانی را به رفتن و حضور در کلاس فوق‌برنامه اختصاص دهند و این مسئله سبب خستگی مفرط دانش‌آموزان خواهد شد. همچنین شرکت در این کلاس‌ها سبب پرداخت هزینه‌های زیادی از سوی دانش‌آموزان می‌گردد و اغلب آن‌ها برای دریافت این‌گونه آموزش‌ها پول‌های هنگفتی هزینه می‌کنند که هم‌سو با نتایج تحقیقات داربی و ساوتگیت (۲۰۰۹) است که بیان می‌کنند تدریس خصوصی تکمیلی پول و وقت دانش‌آموزان را صرف خود می‌کند. نتایج تحقیقات بری (۱۹۹۹) نیز نشان می‌دهد که والدین مدرسه را به اندازه کافی جهت پیشرفت فرزندان خود شایسته نمی‌دانند و به‌سوی تدریس خصوصی تکمیلی روی می‌آورند و هزینه‌هایی که مردم برای هر دانش‌آموز صرف می‌کنند بیشتر از هزینه‌هایی است که دولت پرداخت می‌کند. همچنین این یافته‌ها با نتایج تحقیقات

بیون (۲۰۱۰)، داوسون (۲۰۱۰) و اسلم و اترتون (۲۰۱۲) هم سو است که بر این اساس خانواده‌ها نه تنها هزینه‌های ثبت‌نام و شهریه مدارس فرزندان خود را پرداخت می‌کنند، بلکه هزینه‌های شرکت در کلاس‌های خصوصی، شرکت در امتحانات ادواری، خرید کتاب‌های کمک‌درسی و هزینه مشاوره‌های تحصیلی را نیز قبول می‌کنند.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به شیوع بیماری کووید-۱۹ اشاره کرد که سبب ایجاد برخی مشکلات در انتخاب مشارکت‌کنندگان و اجرای مصاحبه شد. در واقع با تعطیلی تمامی مدارس در گردآوری اطلاعات خلل ایجاد شد، اما در نهایت سعی گردید که با صبر و بردباری در جهت پیدا کردن راه‌حلی این مشکل رفع گردد، بنابراین پس از طراحی سوالات مصاحبه، به‌جای مصاحبه حضوری از مصاحبه آنلاین استفاده شد. همچنین دانش‌آموزان در زمینه پرسش‌های مصاحبه و ارائه اطلاعات در خصوص کلاس‌های فوق‌برنامه که به عقیده آن‌ها یک موضوع خصوصی تلقی می‌شد دچار تردید می‌شدند که در نهایت تاکید بر محرمانه بودن اطلاعات به روند پاسخ‌گویی کمک کرد.

پیدایش کلاس فوق‌برنامه امروزه پدیده‌ای روبه‌رشد و نوین در کشورهای مختلف جهان است و کمابیش در جمعیت دانش‌آموزان مشاهده می‌شود. از آنجا که دانش‌آموزان ممکن است به علل متعدد علاقه‌ای به ارائه اطلاعات در این زمینه نداشته باشند و والدین آن‌ها نیز با وجود صرف هزینه‌های زیاد، موضوع استفاده از کلاس‌های فوق‌برنامه را آشکار نکرده و دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران امر آموزش و پرورش نیز علاقه‌ای به تحقیق، بحث و بررسی در این زمینه نداشته باشند؛ لذا لازم است در بررسی‌های کارشناسانه میزان رواج کلاس‌های فوق‌برنامه و علل استفاده از آن و تاثیرات آن بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار گیرد. همچنین به مسئولان آموزش و پرورش پیشنهاد می‌شود که در جهت افزایش حقوق و دستمزد معلمان و جذب افراد مستعد، کارآمد و باانگیزه برای حرفه معلمی بکوشند تا کیفیت آموزش رسمی افزایش یابد و تمام نیازهای آموزشی دانش‌آموزان فقط در ساعات رسمی مدرسه رفع گردد، همچنین مشکل کمبود زمان جهت تدریس رضایتمند و باکیفیت در کلاس‌های رسمی را با لغو تعطیلی مدارس در روزهای پنجشنبه جبران کنند. به مدیران مدارس پیشنهاد می‌شود که در راستای برابری فرصت‌های آموزشی، کلاس‌های فوق‌برنامه را به‌صورت رایگان برای دانش‌آموزان ضعیف و کم‌درآمد در محیط مدرسه برگزار نمایند.

به معلمان پیشنهاد می‌شود که در کلاس‌های رسمی سعی کنند از روش‌های تدریس نوین، پیشرفته و فعال به‌منظور تعمیق یادگیری در دانش‌آموزان به‌جای روش‌های منفعل سنتی مانند سخنرانی استفاده کنند و در کلاس‌های رسمی جهت کاهش استرس و اضطراب ناشی از امتحانات در دانش‌آموزان به‌جای استفاده از ارزشیابی‌های پایانی، از ارزشیابی‌های فرایندی بهره بگیرند.

همچنین پیشنهاد می‌شود که در ارتقای روابط صمیمانه و دوستانه خود با دانش‌آموزان جهت افزایش کیفیت آموزش‌های رسمی مدارس اهتمام ورزند. به دانش‌آموزان هم پیشنهاد می‌شود که در کلاس‌های رسمی سعی کنند ارتباط صمیمی و خوبی با دوستانشان و معلمان داشته باشند تا به راحتی بتوانند با همدیگر دانش خود را به اشتراک بگذارند و در حل مسائل و مشکلات آموزشی با هم همکاری کنند.

منابع

الف. فارسی

- آرین، خدیجه. (۱۳۹۰). وضعیت آموزش و پرورش سایه و تدریس خصوصی در بین دانش‌آموزان شهر تهران: ماهیت، گستره، دلایل و پیامدهای آن. گزارش طرح پژوهشی منتشر نشده. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- احمدی، حسین؛ شکوهی، مرتضی؛ بنی‌اسدی، حسین؛ جعفری، پروین و منصور کیایی، نادر. (۱۳۸۳). فعالیت‌های فوق‌برنامه، مبانی نظری و شیوه‌های ارزشیابی. تهران: منادی تربیت افشار، معصومه؛ ملکی، شیما و چنانی، خدیجه. (۱۳۹۵). بررسی تأثیرات مثبت و منفی آموزش و پرورش سایه‌ای بر آموزش رسمی مدرسه. دومین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی ایران، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.
- سبوجی، علیرضا. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر فعالیت‌های فوق‌برنامه در عملکرد تحصیلی و اخلاقی دانش‌آموزان مقطع متوسطه نمونه موردی: دبیرستان ملاصدرا. گزارش طرح پژوهشی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- سردار شیبانی، سعید. (۱۳۸۴). بررسی نظرات دانش‌آموزان در مورد عوامل مؤثر بر گرایش بر شرکت در کلاس‌های خصوصی و آموزشگاه‌های علمی آزاد. گزارش طرح پژوهشی. مشهد: سازمان آموزش و پرورش خراسان رضوی، کارشناسی تحقیقات آموزشی.
- شیراوند، یونس؛ معدن‌دار آرانی، عباس و نیک‌پی، ایرج. (۱۳۹۶). شناسایی ابعاد کمی آموزش خصوصی تکمیلی در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر تهران. تعلیم و تربیت، ۳۳ (۲)، ۱۱۶-۱۰۱.
- شیربگی، ناصر. (۱۳۹۰). علل افزایش تقاضا برای آموزش سایه‌ای از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی. طرح پژوهشی انجام شده در دانشگاه کردستان.
- فتحی‌واجارگاه، کورش. (۱۳۹۶). برنامه درسی چیست. تهران: مهربان.

کوربین، جولیت. ام. و اشتراوس، آنسلم. (۲۰۱۲ / ۱۳۹۱). اصول تحقیق کیفی: شیوه‌ها و رویه‌های توسعه‌گراند تئوری. ترجمه ناهید دهقان‌نیری، علی فخرموحدی، مریم اسماعیلی، تابنده صادقی، زهرا طیبی. تهران: اندیشه رفیع. چاپ اول.

محمدپور، احمد. (۱۳۸۹). فراروش بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری. تهران: جامعه‌شناسان.

ب. انگلیسی

- Ali, Y. A. (2013). Private tutoring in Jordan: Underpinning factors and impacts. *International Journal of Humanities and Social Science*, 3(13), 109-114.
- Aslam, M., & Atherton, P. (2012). *The 'shadow' education sector in India and Pakistan: The determinants, benefits and equity effects of private tutoring*. Education Support Programme Working Paper Series 38, Budapest: Open Society Foundations.
- Aydagül, B. (2014). *Closing down prep schools another poor education policy decision*. *Today's Zaman*, April 20, Available at : http://www.todayszaman.com/anasayfa_closing-down-prep-schools-another-pooreducation-policy-decision_345641.html.
- Bray, M. (1999). *The shadow education system: Private tutoring and its implications for planners*. *Fundamentals of Educational Planning* 61, Paris: UNESCO International Institute for Educational Planning.
- Bray, M. (2010). Research on shadow education: methodological challenges and directions. *Asia Pacific Education Review*, 11(1), 3-13.
- Brehm, W. C., & Silova, I. (2014). Hidden privatization of public education in Cambodia: Equity implications of private tutoring. *Journal for Educational Research*, 6(1), 94-116.
- Byun, S. Y. (2010). Does policy matter in shadow education spending? Revisiting the effects of the high school equalization policy in South Korea. *Asia Pacific Education Review*, 11(1), 83-96.
- Darby, E., & Southgate, M. A. (2009). *Determinants of shadow education: A cross-national analysis*. The Ohio State: The Ohio State University.
- Dawson, W. (2010). Private tutoring and mass schooling in East Asia: Reflections of inequality in Japan, South Korea, and Cambodia. *Asia Pacific Education Review*, 11(1), 14-24.
- Ireson, J., & Rushforth, K. (2005). *Mapping and evaluating shadow education*. ESRC research project RES-000-23-0117 end of award report. Available at <http://image.guardian.co.uk/sysfiles/Education/documents/2005/04/07/tutoring.pdf>, accessed 11 March 2011.
- Javadi, Y., & Kazemirad, F. (2020). Worldwide shadow education epidemic and its move toward shadow curriculum. *Journal of Language Teaching and Research*, 1(11), 212-220.
- Jo, S. H. (2013). The track of policies for educational equality and its implications in Korea. *Journal of Educational Change*, 14(1), 73-94.
- Kim, T. (2005). Shadow education: School quality and demand for private tutoring in Korea. *KDI School of Pub Policy & Management Paper*, 58(2), 04-21.
- Kobakhidze, M. N. (2014). Corruption risks of private tutoring: Case of Georgia. *Asia Pacific Journal of Education*, 34(4), 455-475.
- Kuan, P. Y. (2011). Effects of cram schooling on mathematics performance: Evidence from junior high students in Taiwan. *Comparative Education Review*, 55(3), 342-368.

- Lao, R. (2014). Analyzing the Thai state policy on private tutoring: The prevalence of the market discourse. *Asia Pacific Journal of Education*, 34(4), 476-491.
- Lee, J. (2014). *The shadow cost of education: How does private tutoring affect students' well-being*. Available at : <https://www.semanticscholar.org/paper/The-shadow-cost-of-education-%3A-How-does-private-%E2%80%99-Lee/4cf1fc35dece980d65116caf2ccbc41277287d6b>.
- Lee, J. Y. (2013). *Private tutoring and its impact on students' academic achievement, formal schooling and educational inequality in Korea*. PhD dissertation, Columbia University.
- Li, J. (2020). Substitution or complementation: The relationship between school education and shadow education. *Best Evidence in Chinese Education*, 4(1), 411-424.
- Liu, J. (2012). Does cram schooling matter? Who goes to cram schools? Evidence from Taiwan. *International Journal of Educational Development*, 32(1), 46-52.
- Mori, I., & Baker, D. (2010). The origin of universal shadow education: what the supplemental education phenomenon tells us about the postmodern institution of education. *Asia Pacific Education*, 11(1), 36-48.
- Moriana, J., Antonio, A., Francisco, A., Rocio, P., Moria, J., Herruzo, J., & Ruiz, R. (2006). Extra-curricular activities and academic performance in secondary electronic. *Journal of Research in Educational Psychology Student*, 6(4), 32-48.
- Mtika, P. (2019). High school students' perspectives of participating in a STEM-related extracurricular programme. *Frontiers in Education*, 3(13), 3-15.
- Shibao, G., & Yan, G. (2016). *Spotlight on China: Changes in education under China's market economy*. Rotterdam: Sense Publishers.
- Steinmann, I., Strietholt, R., & Caro, D. (2018). Participation in extracurricular activities and student achievement: Evidence from German All-Day Schools. *School Effectiveness and School Improvement*, 6(2), 175-197.
- Suliman, H. (2012). Shadow learning in undergraduate mathematics: An exploratory study. *International Journal of Modern Education Forum*, 1(2), 70-75.
- Tansel, A., & Bircan, F. (2004). Private tutoring expenditures in turkey. *Turkish Economic Association*, 25(3), 1-27.
- Tomlinson, S. (2001). *Education in a post-welfare society*. Open University Press of Buckingham.
- Zhang, W., & Bray, M. (2016). Shadow education: The rise and implications of private supplementary tutoring. In S. Guo & Y. Guo (Eds.), *Spotlight on China: Changes in education under China's market economy* (pp. 85-99). Rotterdam: Sense Publishers.

English Abstract

**The Lived Experience of Students in Extracurricular
Classes: Presenting a Paradigmatic Model**

Rafiq Hasani*, Shadi Maleki**

The aim of this study was to explore the lived experience of students in extracurricular classes in non-profit secondary schools in Sanandaj, Kurdistan Province, Iran, in the academic year 2019-2020. Semi-structured interview questions were provided to 25 students, who were selected by snowball sampling. Then, qualitative analysis was performed using open, axial, and selective coding. According to the proposed paradigmatic model, the most important causal conditions for attending extracurricular classes included the following: the inability of teachers to convey course materials; addressing the gaps in learning; academic weakness; productivity, entrance exam, and contextual conditions (e.g., learning); coercion and gaining teachers' satisfaction; inefficiency of teachers in formal classrooms and the presence of more experienced, motivated, and serious teachers in non-formal classrooms as intervening conditions; interest- and energy-based teaching; comprehensive teaching; and purposeful classes. The strategies used in extracurricular classes included the following factors: appropriate teaching and learning; quality education; learning-based atmosphere; proper class density, optimal use of class time as well as positive and negative consequences including success and progress; performance improvement; familiarity with questions and teaching methods; complementary and enhancing; facilitating; reduced stress and anxiety; and no waste of time. The core category of the extracurricular class was defined as "filling the gaps in formal education: consolidating learning". The results indicated the need to organize extracurricular classes in schools to make them more effective in facilitating students' learning and enhancing their academic achievement.

Keywords: extracurricular classes, lived experience, shadow education, students

*Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran (Corresponding Author) hasani.rafiq@gmail.com
**MA in Educational Planning, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. shadimaleki138@gmail.com